

Creative Accounting Tools and Corporate Failure¹

Mohsen Khotanlou², Mahdi Kazemiloum³, Hamed Ghasempanah⁴

Received: 2026/01/19

Accepted: 2026/05/14

Research Paper

Abstract

Objective: The present study aimed to investigate the relationship between creative accounting activities (including accrual earnings management, real earnings management, earnings smoothing, and tax avoidance) and corporate failure in the Tehran Stock Exchange.

Methods: Among the companies of the Tehran Stock Exchange, 172 companies were selected and analyzed in the 13-year period from 2012 to 2024, which totaled 2236 firm-years (and 1376 firm-years in the final estimation of models), taking into account some limitations. The multiple regression approach with the logit estimator was used to test the hypotheses. To measure the variable of accrual and actual earnings management, discretionary accruals were adjusted according to the Jones model and extraordinary discretionary expenses were adjusted according to the Roychowdhary model (2006), and to measure the risk of financial bankruptcy, the Altman (2002) model adjusted by Kordestani et al. (2014) was used, and earnings smoothing was measured with the Eckell index.

Results: The results of statistical tests showed that there is a significant direct relationship between accrual earnings management and Corporate Failure risk, and with increasing the amount of accrual earnings management, the probability of Corporate Failure also increases. Also, the findings of the third hypothesis showed that there is a direct and significant relationship between profit smoothing and Corporate Failure risk, so that with increasing the amount of profit smoothing, the risk of financial bankruptcy also increases. In addition, the results of the fourth hypothesis indicated that there is a significant direct relationship between tax avoidance and financial bankruptcy risk. However, a significant relationship between real profit management and financial bankruptcy risk was not found

¹ 10.30466/JFCS.2026.56969.1049

². Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (mkhotanlou@basu.ac.ir).

³. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (m.kazemiloum@basu.ac.ir) (Corresponding author).

⁴ Master of Accounting, Department of Accounting, Alvand Institute of Higher Education, Hamedan, Iran. (mohamadh.to78@gmail.com).

at the 95% significance level. Although creative accounting activities are not illegal under agency and ethical theories, they transfer wealth among stakeholders, diminish shareholders' wealth, and increase managers' utility at shareholders' expense. Moreover, earnings management raises agency costs such as audit fees and the costs of implementing corporate governance mechanisms, all of which together raise the probability of financial bankruptcy.

Conclusion: Overall, according to the research findings, creative accounting activities increase the risk of Corporate Failure of the company, and in other words, the use of these techniques will be harmful to companies in the long run. Therefore, it is recommended that internal and external corporate governance bodies develop more controls to limit these activities. Based on the hypothesis outcomes, active investors in the Tehran Stock Exchange are advised to be vigilant regarding creative accounting practices (including various forms of earnings management, tax avoidance, nondisclosure of material information, arbitrary changes in accounting policies, fictitious transactions, etc.), to carefully assess their impact on financial reporting and fiscal policies, and to purchase or sell stocks only after confirming the quality of financial reports. Regulators and standard-setting bodies can use these findings to limit managerial discretion and curb creative accounting techniques, thereby protecting shareholders especially active retail investors in the Tehran market. Future researchers could examine the effect of creative accounting on corporate failure by incorporating moderating variables such as corporate governance, testing the effectiveness of governance mechanisms. It is also suggested to study the extent of creative accounting usage across different stages of a firm's life cycle, its impact on financing and investment policies, and to adjust financial data for inflation, given Iran's significant inflation volatility, which may influence financial policies and reporting.

Innovation: The research findings can be useful for managers, investors, accountants, auditors, lenders, and other relevant stakeholders. Managers are expected to use creative accounting tools only for beneficial purposes and avoid opportunistic manipulation of financial information after recognizing its impact on corporate failure. Investors can more carefully assess the quality of a company's financial information and make decisions based on those assessments. The government can consider the effect of tax avoidance on corporate failure, discourage companies from engaging in tax-avoidance practices, and close legal loopholes that enable such behavior.

Keywords: Corporate Failure, Earnings management, Tax avoidance, Creative accounting.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.



ابزارهای حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی^۱

محسن ختن‌لو^۲، مهدی کاظمی علوم^۳، حامد قاسم‌پناه^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۴

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین ابزارهای حسابداری خلاق (شامل مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی) و شکست شرکتی در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است.

روش: از میان شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۷۲ شرکت انتخاب و در بازه زمانی ۱۳ ساله از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ با در نظر گرفتن برخی محدودیت‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند، که در مجموع شامل ۲۲۳۶ سال-شرکت بود (و در برآورد نهایی مدل‌ها ۱۳۷۶ سال-شرکت لحاظ شد). برای آزمون فرضیه‌ها، از رویکرد رگرسیون چندگانه با برآورد گر لاجیت استفاده شد. برای اندازه‌گیری متغیرهای مدیریت سود تعهدی و واقعی، انحرافات تعهدی طبق مدل جونز تعدیل شد و هزینه‌های غیرعادی تعهدی مطابق با مدل رویچادری (۲۰۰۶) تعدیل گردید. همچنین، برای سنجش ریسک ورشکستگی مالی، از مدل آلتمن (۲۰۰۲) تعدیل شده کوردستانی و همکاران (۲۰۱۴) استفاده شد و هموارسازی سود با شاخص ایکل اندازه‌گیری گردید.

یافته‌ها: نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، به‌طوری که با افزایش میزان مدیریت سود تعهدی، احتمال شکست شرکتی نیز افزایش می‌یابد. همچنین، یافته‌های مربوط به فرضیه سوم نشان داد که بین هموارسازی سود و شکست شرکتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که با افزایش میزان هموارسازی سود، ریسک ورشکستگی مالی نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، نتایج فرضیه چهارم بیانگر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین اجتناب مالیاتی و ریسک ورشکستگی مالی بود. با این حال، رابطه معناداری بین مدیریت سود واقعی و ریسک ورشکستگی مالی در سطح اطمینان ۹۵٪ مشاهده نشد. اگرچه فعالیت‌های حسابداری خلاقانه از منظر نظریه نمایندگی و

^۱ 10.30466/JFCS.2026.56969.1049

^۲ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. (mkhotanlou@basu.ac.ir).

^۳ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

(m.kazemiolum@basu.ac.ir).

^۴ کارشناس ارشد، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی الوند، همدان، ایران. (mohamadh.to78@gmail.com).

اخلاقی غیرقانونی نیستند، اما موجب انتقال ثروت میان ذی‌نفعان، کاهش ثروت سهامداران و افزایش منافع مدیران به‌هزینه سهامداران می‌شوند. علاوه بر این، مدیریت سود هزینه‌های نمایندگی، از جمله هزینه‌های حساسی و هزینه‌های اجرای مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، را افزایش می‌دهد که مجموع این عوامل احتمال ورشکستگی مالی را بالاتر می‌برد.

نتیجه‌گیری: به طور کلی، بر اساس یافته‌های پژوهش، فعالیت‌های حسابداری خلاقانه ریسک شکست شرکتی را افزایش می‌دهند و به عبارت دیگر، استفاده از این تکنیک‌ها در بلندمدت برای شرکت‌ها زیان‌آور خواهد بود. بنابراین، توصیه می‌شود که نهادهای حاکمیت شرکتی داخلی و خارجی کنترل‌های بیشتری را برای محدود کردن این فعالیت‌ها اعمال کنند. بر اساس نتایج فرضیه‌ها، به سرمایه‌گذاران فعال در بورس اوراق بهادار تهران توصیه می‌شود که نسبت به فعالیت‌های حسابداری خلاقانه (شامل انواع مدیریت سود، اجتناب مالیاتی، عدم افشای اطلاعات بااهمیت، تغییرات دل‌خواه در سیاست‌های حسابداری، معاملات ساختگی و غیره) هوشیار باشند، تأثیر آن‌ها بر گزارشگری مالی و سیاست‌های مالیاتی را به‌دقت ارزیابی کنند و تنها پس از تأیید کیفیت گزارش‌های مالی اقدام به خرید یا فروش سهام نمایند. ناظران و نهادهای تعیین‌کننده استاندارد می‌توانند از این یافته‌ها برای محدود کردن اختیار مدیران و کاهش استفاده از تکنیک‌های حسابداری خلاقانه بهره‌برند و بدین ترتیب از سهامداران، به‌ویژه سرمایه‌گذاران خرد فعال در بازار تهران، محافظت کنند. پژوهشگران آینده می‌توانند اثر فعالیت‌های حسابداری خلاقانه بر ورشکستگی شرکتی را با وارد کردن متغیرهای تعدیل‌کننده مانند حاکمیت شرکتی بررسی کرده و اثربخشی مکانیزم‌های حاکمیت را مورد آزمون قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود میزان استفاده از حسابداری خلاقانه در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت، تأثیر آن بر سیاست‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، و تعدیل داده‌های مالی براساس تورم بررسی شود، با توجه به نوسانات قابل توجه تورم در ایران که ممکن است بر سیاست‌ها و گزارشگری مالی اثرگذار باشد.

نوآوری: نتایج پژوهش می‌تواند مورد استفاده مدیران، سرمایه‌گذاران، حسابرسان، اعتباردهندگان و عموم ذینفعان مرتبط قرار بگیرد. انتظار می‌رود مدیران با مشاهده اثر حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی، از این ابزارهای حسابداری خلاق در راستای اهداف شرکت استفاده نمایند و از دستکاری فرصت‌طلبانه اطلاعات مالی اجتناب نمایند. سرمایه‌گذاران نیز با استفاده از نتایج پژوهش می‌توانند کیفیت اطلاعات مالی شرکت را با دقت بیشتری بررسی نموده و سپس در صورت اتکا به آن اطلاعات، اقدام به اخذ تصمیم‌های لازم نمایند. دولت نیز می‌تواند اثر اجتناب مالیاتی بر شکست شرکتی را مد نظر قرار داده و شرکت‌ها را از اقدامات اجتناب مالیاتی بر حذر نماید و رخنه‌های قانونی که امکان انجام این عمل را فراهم می‌آورند را بپوشاند.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، شکست شرکتی، حسابداری خلاقانه، مدیریت سود.

مقدمه

شکست شرکت زمانی رخ می‌دهد که شرکت توانایی ادامه عملیات و انجام تعهدات مالی خود را از دست می‌دهد. این وضعیت اغلب به ورشکستگی یا انحلال منجر می‌شود (آلمن^۱، ۲۰۲۰). پیامدهای شکست شرکتي فراتر از یک بنگاه است و سرمایه‌گذاران و اقتصاد یک کشور را به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله این پیامدها می‌توان به از بین رفتن شغل‌ها و کاهش اعتماد به محیط کسب و کار اشاره کرد (تیلور^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). در سال‌های اخیر، فشارها و موارد مکرر شکست در مؤسسات تجاری کشورهای مختلف، نگرانی‌های گسترده‌ای را برای ذی‌نفعان داخلی و خارجی ایجاد کرده است. بخشی از این نگرانی به این موضوع بازمی‌گردد که مدیریت ممکن است از صورت‌های مالی برای تأمین منافع شخصی سوءاستفاده کند. زمانی که استفاده کنندگان صورت‌های مالی متوجه می‌شوند به اطلاعاتی تکیه کرده‌اند که در نتیجه حسابداری خلاقانه، غیرقابل اعتماد از آب درآمده است، دچار ناامیدی می‌شوند. این پدیده در بسیاری از کسب و کارها از جمله بانک‌ها و صنایع دیگر به وفور دیده می‌شود (اسمیت و جونز^۳، ۲۰۲۱). صورت‌های مالی ابزار اصلی گزارش‌دهی عملکرد و تغییرات وضعیت مالی یک سازمان هستند. استفاده کنندگان با تکیه بر این صورت‌ها تصمیمات آگاهانه می‌گیرند (براون و گارسیا^۴، ۲۰۲۲). با این حال، انعطافی که در دستورالعمل‌های حسابداری وجود دارد، به شرکت‌ها اجازه می‌دهد سیاست‌های متفاوتی را اتخاذ کنند و قضاوت حرفه‌ای را در تهیه صورت‌های مالی اعمال نمایند. همین انعطاف، اغلب بستری مناسب برای اعمال حسابداری خلاقانه فراهم می‌کند (وایت و لی^۵، ۲۰۲۰).

حسابداری خلاقانه از نظر ظاهری استانداردهای حسابداری را رعایت می‌کند؛ اما در عمل از اهداف مورد نظر آنها منحرف می‌شود (بانکوله^۶ و همکاران، ۲۰۱۸). هرچند این عمل غیرقانونی نیست، اما به دلیل گمراه کردن سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان، به طور گسترده غیراخلاقی تلقی می‌شود (ویلسون-اشیلیم^۷ و همکاران، ۲۰۲۴). حسابداری خلاقانه شامل استفاده از روش‌های قانونی حسابداری برای دستکاری اطلاعات مالی است؛ به گونه‌ای که تصویر واقعی از موقعیت مالی شرکت ارائه نمی‌شود. این عمل اغلب مستلزم

¹ Altman

² Taylor

³ Smith & Jones

⁴ Brown & Garcia

⁵ White & Lee

⁶ Bankole

⁷ Wilson-Oshilim

بکارگیری بیش از حد تکنیک‌های حسابداری برای شناسایی سود، دارایی‌ها و بدهی‌هاست و گاهی اصول حسابداری تا مرز خود یا حتی فراتر از آن گسترش می‌یابد (حمنا و امانوئل؛ ۲۰۱۷). ایجوما و آرونو^۱ (۲۰۱۹) معتقدند حسابداری خلاقانه با استفاده تهاجمی از گزینه‌های مجاز در مقررات حسابداری مشخص می‌شود تا حساب‌های مالی در مطلوب‌ترین حالت ممکن ارائه گردد. این کار ممکن است از طریق بهره‌برداری از خلأهای قانونی یا انعطاف‌پذیری ذاتی استانداردهای حسابداری انجام شود. پژوهش چهارده‌چریکی و همکاران (۱۴۰۱) در ایران نشان می‌دهد که شاخص‌های عملکردی بیشترین اهمیت را در استفاده از حسابداری خلاقانه دارند. همچنین با توجه به اثرگذاری حاکمیت شرکتی بر استفاده از حسابداری خلاقانه، افزایش اثربخشی سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند شفافیت و قابلیت اتکای گزارش‌های مالی را افزایش دهد.

انگیزه شرکت‌ها برای استفاده از روش‌های حسابداری خلاقانه متنوع است: برخی به دنبال کم‌نمایی سود برای کاهش بدهی‌های مالیاتی هستند، برخی می‌خواهند روند ثابت رشد سود را نشان دهند تا امنیت شغلی مدیریت حفظ شود و برخی دیگر نیاز به انطباق با قراردادهای وام یا جلب رضایت طلبکاران دارند (اولاینکا و آدکویا^۲؛ ۲۰۲۱). آکنبور و ایبانیچوکا^۴ (۲۰۱۶) معتقدند هدف اصلی حسابداری خلاقانه فریب سهامداران و افزایش مصنوعی ارزش سهام در بازار است. این دیدگاه بر ماهیت دستکاری‌گونه حسابداری خلاق تأکید دارد که سودهای کوتاه‌مدت و عملکرد بازار سهام را بر پایداری و شفافیت بلندمدت ترجیح می‌دهد.

مدیریت معمولاً از ابزارهای حسابداری خلاقانه برای اهداف گوناگونی استفاده می‌کند. اما نگرانی اصلی زمانی بروز می‌کند که از این ابزارها برای ارائه نادرست عملکرد واقعی شرکت استفاده شود. دستکاری ارقام تعهدی، پیامدهای جدی برای یکپارچگی و سلامت گزارشگری مالی دارد و می‌تواند به شکست شرکت منجر گردد (ایزدونمی و اولایامی^۵؛ ۲۰۱۸). استفاده طولانی‌مدت از روش‌های هموارسازی سود (به عنوان یکی از ابزارهای حسابداری خلاقانه) نیز به طور بالقوه باعث نمایش نادرست عملکرد مالی شرکت در برابر سرمایه‌گذاران و سهامداران می‌شود (دوان^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین شرکت‌ها ممکن است از اقدامات اجتناب مالیاتی برای بهبود عملکرد مالی خود استفاده کنند؛ به این ترتیب که بدهی‌های مالیاتی را کاهش داده و سود را افزایش می‌دهند (آنیادیگوا^۷؛ ۲۰۱۹).

¹ Hamna & Emmanuel

² Ijeoma & Aronu

³ Olayinka & Adekoya

⁴ Akenbor & Ibanichuka

⁵ Izedonmi & Olayemi

⁶ Doan

⁷ Anyadiiegwu

بولو و همکاران (۲۰۲۴) نشان داده‌اند که سودمندی اطلاعات حسابداری در شناسایی و پیش‌بینی حسابداری خلاقانه به ویژگی‌های مالی مرتبط است. یافته‌های آنها حاکی از آن است که هدف اصلی حسابداری خلاقانه در ایران مدیریت سود است. برخلاف فرضیه هزینه سیاسی، شرکت‌های بزرگ ایرانی از حسابداری خلاقانه برای افزایش سود استفاده می‌کنند. اسدی و همکاران (۱۴۰۳) پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده را ارزیابی کرده و دریافته‌اند که مهم‌ترین سناریوی مؤثر بر مشروعیت اخلاقی گزارشگری مالی، ضعف تمرکزگرایی ساختاری در اثربخشی کنترل داخلی است. محمدی و همکاران (۱۴۰۲) نیز نشان دادند که فقدان چشم‌اندازهای حرفه‌ای در حسابداری، احتمال تحریف مالی از طریق حسابداری خلاقانه را افزایش می‌دهد.

پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه حسابداری خلاقانه انجام شده است. با این حال، با وجود این پژوهش‌ها، مطالعات قبلی رابطه بین متغیرهای خاص حسابداری خلاقانه و شکست‌های شرکتی را کمتر مورد بررسی قرار داده‌اند. این کمبود توجه شکاف قابل توجهی در درک پژوهشگران باقی گذاشته است و نیاز به بررسی بیشتر را ضروری کرده است. این پژوهش با اهدافی از بعد نظری و عملی انجام شده است. در بعد نظری، نتایج پژوهش به ادبیات حسابداری خلاقانه و ابعاد آن و همچنین ادبیات شکست شرکتی خواهد افزود. در بعد عملی نیز نتایج پژوهش می‌تواند مورد استفاده مدیران، سرمایه‌گذاران، حسابداران، حسابرسان، اعتباردهندگان و عموم ذینفعان مرتبط قرار بگیرد. انتظار می‌رود مدیران با مشاهده اثر حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی، از این ابزارهای حسابداری خلاق در راستای اهداف مفید استفاده نمایند و از دستکاری فرصت طلبانه اطلاعات مالی اجتناب نمایند. سرمایه‌گذاران نیز با استفاده از نتایج پژوهش می‌توانند کیفیت اطلاعات مالی شرکت را با دقت بیشتری بررسی نموده و سپس در صورت اتکا به آن اطلاعات، اقدام به اخذ تصمیم‌های لازم نمایند. دولت نیز می‌تواند اثر اجتناب مالیاتی بر شکست شرکتی را مد نظر قرار داده و شرکت‌ها را از اقدامات اجتناب مالیاتی بر حذر نماید و رخنه‌های قانونی که امکان انجام این عمل را فراهم می‌آورند را بپوشاند.

مبانی نظری و تجربی

شکست شرکتی

شکست‌های اخیر شرکت‌ها در سال‌های اخیر، سوالات متعددی را در مورد اعتبار حسابداری و قابلیت اطمینان گزارش آن در دستیابی به تصمیمات بهینه مدیریتی و سرمایه‌گذاری مطرح کرده است. این موارد نشان می‌دهد که گزارش‌های مالی ارائه شده توسط مدیریت و تأیید شده توسط حسابرسان، ارائه نادرستی از وضعیت واقعی شرکت‌ها بوده است. حسابداران، مدیریت و حسابرسان به دلیل دستکاری، ناعادلانه بودن

و ارائه نادرست حقایق متهم شده‌اند. این که گزارش‌ها و افشاهای حسابداری تا چه حد اطلاعات قابل اعتمادی را در اختیار سهامداران و سایر ذینفعان قرار می‌دهند تا تصمیمات سرمایه‌گذاری آگاهانه و ارزیابی واقعی شرکت‌ها را ممکن سازند، همچنان مورد تردید است. مانع فرضی برای عدم موفقیت این گزارش‌ها در برآورده کردن انتظارات، حسابداری خلاقانه بوده است. اکثر مطالعات این عمل را غیراخلاقی می‌دانند و معتقدند باید متوقف شود (آکپانکو و اومرون، ۲۰۱۸). شکست شرکتی می‌تواند به شکل‌های مختلفی ظاهر شود. یکی از این اشکال شامل انحلال کسب و کار به دلیل چالش‌های مالی است، جایی که شرکت برای حفظ عملیات و سودآوری خود تلاش می‌کند (راچدی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین، شکست شرکت ممکن است به عنوان شرکتی که دوره‌های طولانی بازدهی کم یا منفی را تحمل می‌کند، نشان دهنده فشار مالی اساسی باشد (گونزالس^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). صرف‌نظر از شکل آن، شکست شرکتی اثرات زیان‌باری بر سرمایه‌گذاران و اقتصاد یک کشور دارد. این امر می‌تواند منجر به از دست رفتن مشاغل و کاهش اعتماد به محیط کسب‌وکار شود (تیلور و همکاران، ۲۰۲۳). این اثرات منفی می‌توانند در سراسر اقتصاد طنین‌انداز شوند، بر ذی‌نفعان مختلف تأثیر بگذارند و ناپایداری اقتصادی را تشدید کنند.

حسابداری خلاقانه

حسابداری خلاقانه، شیوه‌ای از حسابداری است که با استفاده از اختیار حسابداری و بدون نقض خط‌مشی‌ها؛ قوانین و استانداردهای حسابداری، بر نحوه افشاء اطلاعات تأثیر می‌گذارد و سبب تحریف اطلاعات ارائه شده از سوی مدیران می‌گردد (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲). ایبانیچوکا و ایهندینیهو، (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که «حسابداری خلاقانه، تبدیل ارقام حسابداری مالی از آنچه واقعاً هستند به آنچه تهیه‌کنندگان می‌خواهند، با بهره‌گیری از قوانین موجود و یا نادیده گرفتن برخی یا همه آنها است». مرچنت و راکنس^۴ (۱۹۹۴) معتقدند حسابداری خلاقانه هر اقدامی از سوی مدیریت که بر درآمد گزارش‌شده تأثیر بگذارد و هیچ مزیت اقتصادی واقعی برای سازمان نداشته باشد و در واقع، در درازمدت، مضر باشد، است. حسابداری خلاقانه در کشورهای مختلف نام‌ها و اشکال متفاوتی دارد که در نگاره (۱) ارائه شده است:

نگاره (۱). نامگذاری جهانی و اشکال حسابداری خلاق

Table 1. Creative Accounting Type

¹ Akpanuko & Umoren

² Rachdi

³ González

⁴ Merchant & Rockness

کشور	معادل «حسابداری خلاق» رومانیایی
سوئیس	دستکاری ترازنامه، حسابداری ظاهری، جنجال و هیاهو
آلمان	ترفندها، هنرهای حسابداری، حساب‌های سالانه تزئین شده، حباب‌های صابون
هلند	برابرسازی سود، حسابداری خلاقانه، گزارشگری سالانه خلاقانه، مدیریت سود، چاپلوسی سود، حداکثرسازی زیان
فرانسه	بریکولاژ (خودتان انجام دهید)، حساب‌های ساختگی، خلاقیت نامحدود
آمریکا	دستکاری دفاتر، جعل اعداد، دستکاری اعداد، بدهکاری بیشتر از بستانکاری، مدیریت سود
ایتالیا	سیاست‌های مالی
ژاپن	فوریه کسان (حسابداری نادرست)؛ فونشو کو (ظاهرسازی)، کارائوری (فروش ساختگی یا «خالی»)
استرالیا	جعل، حسابداری دستکاری شده، حسابداری وحشی
بریتانیا	ظاهرسازی، حسابداری سود، حباب‌ها، رکود اقتصادی

تکنیک‌هایی که حسابداری خلاقانه را تعریف می‌کنند جدید نیستند، اما تجربه نشان داده است که اغلب اوقات ممکن است بسیار گران تمام شوند. شرکت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاران و سودآور نشان دادن خود نزد ذینفعان، می‌توانند تصمیم به ارائه نادرست صورت‌های مالی بگیرند. این عمل اغلب منجر به عواقب شدیدی می‌شود. این عواقب به دلیل شش حوزه اصلی ضعف یا روزنه در مقررات و رویه‌های حسابداری آشکار می‌شود، یعنی: انعطاف‌پذیری نظارتی، کمبود مقررات، دامنه قضاوت مدیریتی در رابطه با فرضیات مربوط به آینده، زمان‌بندی برخی معاملات، استفاده از معاملات مصنوعی و در نهایت طبقه‌بندی مجدد و ارائه ارقام مالی (دیانا^۱ و همکاران، ۲۰۱۴).

ولادو و مادیس^۲ (۲۰۱۰) خاطرنشان کردند که نظریه نمایندگی، فرضیه کاربردی در مطالعه حسابداری خلاقانه است. نمایندگان ممکن است انگیزه‌ای برای تحریف جریان‌های اطلاعاتی در نتیجه این اختلافات در منافع شخصی برای کسب سود داشته باشند. این تضاد منافع می‌تواند منجر به رویه‌های حسابداری خلاقانه یا دستکاری صورت‌های مالی شود که نتایج آن بر کاربران اطلاعات مالی تأثیر می‌گذارد. وارفیلد^۳ و همکاران (۱۹۹۵) بر اساس فرضیه عدم تقارن اطلاعاتی نتیجه گرفتند که ارتباط مثبتی بین حسابداری خلاقانه و عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد. علاوه بر این، نتایج آنها استدلال می‌کند که هرچه عدم تقارن اطلاعات بین مدیریت و سهامداران بیشتر باشد، شرکت‌ها بیشتر احتمال دارد که به حسابداری خلاقانه روی آورند. نظریه حسابداری اثباتی تلاش می‌کند عواملی را که می‌توانند بر مدیریت در انتخاب بهترین استانداردهای

¹ Diana

² Vladu & Matis

³ Warfield

حسابداری برای یک هدف خاص تأثیر بگذارند، توضیح دهد. طبق نظریه حسابداری اثباتی ارائه شده توسط واتس و زیمرمن^۱ (۱۹۸۶)، شرکت‌ها باید بتوانند از بین تکنیک‌های جایگزین متنوعی برای کاهش هزینه‌های قرارداد و افزایش سود و عملکرد مالی شرکت، یکی را انتخاب کنند. انعطاف‌پذیری موجود در اصول پذیرفته‌شده حسابداری که در تهیه معاملات مالی به کار می‌رود، مشارکت در رفتارهای غیراخلاقی را برای تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی آسان کرده است، در نتیجه مدیران می‌توانند از بین گزینه‌ها و تکنیک‌های حسابداری انتخاب کنند (بلو^۲، ۲۰۱۱). در این راستا روش حسابداری خلاقانه می‌تواند از طریق انعطاف‌پذیری اصلاح در تغییر روش‌های حسابداری و روش‌های کنترل سود مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، مدیران اغلب دستکاری سود را برای بهبود وضعیت مالی و تقویت پاداش اتخاذ می‌کنند (اوکویه و آلائو، ۲۰۰۸). اوبسی^۳ و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند که کسب و کارها ترجیح می‌دهند یک الگوی ثابت افزایش سود را به جای سودهای نوسانی با یک رشته فراز و نشیب ارائه دهند. این موارد نشان می‌دهد اخلاق در تهیه و ارائه صورت‌های مالی و گزارش‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا مستلزم گزارش‌هایی است که منافع ذینفعان را برآورده کند و با الزامات نظارتی هماهنگ باشد. بنابراین، مدیریت همیشه ملزم به رعایت استانداردهای اخلاقی بالاست.

حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی

مطالعات قبلی نشان داده‌اند که شرکت‌ها اغلب به دلیل انعطاف‌پذیری و وجود روزنه‌هایی در قوانین و استانداردهای حسابداری موجود، از حسابداری خلاقانه استفاده می‌کنند که به آنها اجازه می‌دهد با استفاده از انعطاف‌پذیری استانداردهای حسابداری، ارقام مالی را از آنچه به صورت عینی گزارش می‌دهند به آنچه می‌خواهند تغییر دهند (دبرما و روی^۴، ۲۰۲۳). استولوی^۵ (۲۰۰۴) چارچوبی مفهومی ارائه می‌دهد که اجزای اصلی دستکاری حساب‌ها را ناشی از انگیزه مدیران برای تأثیرگذاری بر گزارشگری مالی می‌داند. مدیران از ابزارهای مختلفی همچون سوءاستفاده از قضاوت حرفه‌ای، تغییر در برآوردها و ارقام تعهدی برای دستکاری سود استفاده می‌کنند (جونز^۶، ۲۰۱۱). مدیریت سود تعهدی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حسابداری خلاقانه، زمانی رخ می‌دهد که مدیران با استفاده از انعطاف‌پذیری در شناسایی و اندازه‌گیری ارقام

¹ Watts & Zimmermann

² Bello

³ Ubesie

⁴ Debbarma & Roy

⁵ Stollowy

⁶ Jones

تعهدی، نتایج گزارشگری مالی را تغییر می‌دهند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). این رفتار می‌تواند منجر به ارائه اطلاعات گمراه‌کننده و در نتیجه افزایش احتمال شکست شرکت شود. از منظر تجربی، اُشودین و ایافخه^۱ (۲۰۲۲) نشان دادند که مدیریت سود تعهدی در صورت استفاده فرصت‌طلبانه، اثر مثبت و معناداری بر شکست شرکتي دارد. همچنین آرنیس^۲ و همکاران (۲۰۱۹) بیان کردند که استفاده از تکنیک‌های حسابداری خلاق در دوره‌های قبل از ورشکستگی، با دستکاری صورت‌های مالی همراه است. اسین و فابیان^۳ (۲۰۲۱) نیز نشان دادند که فعالیت‌های حسابداری خلاق بر شکست شرکت تأثیرگذار است.

فرضیه اول: بین مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و شکست شرکتي رابطه معناداری وجود دارد.

مدیران علاوه بر دستکاری اقلام تعهدی، از طریق تغییر در فعالیت‌های واقعی نیز به مدیریت سود می‌پردازند. این اقدامات شامل دستکاری در زمان‌بندی معاملات واقعی، تغییر در سطح تولید، هزینه‌های اختیاری و تصمیمات عملیاتی است (نوری، ۲۰۱۳). پس از تصویب قانون سارینز-اکسلی^۴ (۲۰۰۲)، گرایش مدیران از مدیریت سود تعهدی به سمت مدیریت سود واقعی افزایش یافته است (پائول و همکاران، ۲۰۲۰). مدیریت سود واقعی به دلیل تأثیر مستقیم بر جریان‌های نقدی و عملکرد عملیاتی، می‌تواند پیامدهای بلندمدت منفی برای شرکت داشته باشد و در نهایت ریسک شکست را افزایش دهد. از دیدگاه نظریه نمایندگی، مدیران ممکن است برای دستیابی به منافع شخصی، تصمیماتی اتخاذ کنند که به زیان بلندمدت شرکت منجر شود. یافته‌های تجربی اُشودین و ایافخه (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که مدیریت سود واقعی، در صورت استفاده فرصت‌طلبانه، اثر مثبت و معناداری بر شکست شرکتي دارد. همچنین ویلسون-اوشیلیم و همکاران (۲۰۲۴) و اسین و فابیان (۲۰۲۱) نیز به نقش شیوه‌های مختلف حسابداری خلاق در پیامدهای عملکردی شرکت اشاره کرده‌اند.

فرضیه دوم: بین مدیریت سود واقعی و شکست شرکتي رابطه معناداری وجود دارد.

هموارسازی سود یکی از مهم‌ترین ابزارهای حسابداری خلاقانه است که مدیران از آن برای کاهش نوسانات سود و ایجاد تصویری باثبات از عملکرد شرکت استفاده می‌کنند. این اقدام می‌تواند از طریق انتخاب

¹ Oshodin & Iafkhe

² Arnis

³ Essien, E. N., Fabian

⁴ Norri

⁵ SOX

⁶ Paul

رویه‌های حسابداری یا زمان‌بندی شناخت درآمد و هزینه انجام شود (نوری، ۲۰۱۳). سود به‌عنوان شاخص کلیدی ارزیابی عملکرد، نقش مهمی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران دارد. بنابراین، مدیران ممکن است با هموارسازی سود، انتظارات بازار را برآورده کنند یا پاداش‌های مبتنی بر عملکرد را حداکثر نمایند. با این حال، این رفتار می‌تواند کیفیت اطلاعات مالی را کاهش داده و ریسک تصمیم‌گیری نادرست را افزایش دهد. در حوزه تجربی، توکونی و پائول^۱ (۲۰۲۳) نشان دادند که هموارسازی سود اثر معناداری بر شکست شرکتی دارد. همچنین اسین و فابیانا (۲۰۲۱) نیز تأیید کردند که فعالیت‌های مرتبط با هموارسازی سود می‌تواند بر پیامدهای منفی شرکت تأثیرگذار باشد.

فرضیه سوم: بین هموارسازی سود و شکست شرکتی رابطه معناداری وجود دارد.

اجتناب مالیاتی به‌عنوان یکی دیگر از مصادیق حسابداری خلاقانه، به استفاده از خلأهای قانونی برای کاهش بار مالیاتی اشاره دارد. اگرچه این رفتار ممکن است در کوتاه‌مدت منافع مالی ایجاد کند، اما می‌تواند ریسک‌های قانونی، اعتباری و نظارتی را افزایش دهد. از منظر نظری، اجتناب مالیاتی می‌تواند نشان‌دهنده رفتار فرصت‌طلبانه مدیران باشد که در راستای حداکثرسازی منافع شخصی عمل می‌کنند. این امر ممکن است شفافیت اطلاعاتی را کاهش داده و زمینه‌ساز تصمیمات نادرست سرمایه‌گذاران شود. در مطالعات تجربی، ویلسون-اوشلیم و همکاران (۲۰۲۴) اجتناب مالیاتی را به‌عنوان یکی از ابعاد حسابداری خلاق بررسی کردند. همچنین اُشودین و ایافخه (۲۰۲۲) نشان دادند که در شرایط استفاده فرصت‌طلبانه، این رفتارها می‌توانند احتمال شکست شرکت را افزایش دهند.

فرضیه چهارم: بین اجتناب مالیاتی و شکست شرکتی رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و ماهیت داده‌ها نیز از نوع کمی است. این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش نیز کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۲ است که حائز ویژگی‌هایی از جمله داشتن پایان سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه و عدم تغییر سال مالی طی دوره پژوهش، عدم فعالیت در صنایع واسطه‌گری مالی مانند بانک‌ها، بیمه‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و غیره، در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز محاسبه متغیرها بوده‌اند که در مجموع ۱۷۲ شرکت مورد آزمون قرار گرفته‌اند (طبق نگاره ۲). داده‌های مورد نیاز محاسبه متغیرها از صورت‌های

¹ Tokoni & Paul

مالی، یادداشت‌های پیوست و اطلاعات مالی مکمل استخراج و در نرم‌افزار ایویوز تجزیه و تحلیل شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از رویکرد رگرسیون چندگانه با برآورد گر لاجیت استفاده شده است.

نگاره ۲. فرایند نمونه‌گیری

Table 2. Sampling Table

شماره	شرح	تعداد شرکت
۱	کل شرکت‌های فعال عضو بورس در پایان سال ۱۳۹۰	۴۰۵
۲	شرکت‌هایی که پایان سال مالی منتهی به اسفند ندارند یا تغییر سال مالی داشته‌اند	(۱۱۹)
۳	شرکت‌های فعال در صنایع مالی شامل بیمه، بانک، هلدینگ، لیزینگ و سرمایه‌گذاری	(۱۰۳)
۴	تعداد شرکت‌های دارای اطلاعات ناقص	(۱۱)
۵	تعداد شرکت‌های واجد شرایط منتخب به عنوان جامعه هدف	۱۷۲

به پیروی از اسین و همکاران (۲۰۲۱) و ویلسون – اوشیلیم و همکاران (۲۰۲۴) برای ارزیابی رابطه بین مولفه‌های حسابداری خلافانه و شکست شرکتی و آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل (۱) با انجام تعدیلاتی استفاده شده است:

$$\text{COFA}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{AEM}_{i,t} + \alpha_2 \text{REM}_{i,t} + \alpha_3 \text{ESmooth}_{i,t} + \alpha_4 \text{TaxAvo}_{i,t} + \alpha_5 \text{Size}_{i,t} + \alpha_6 \text{Lev}_{i,t} + \alpha_7 \text{CFO}_{i,t} + \alpha_8 \text{Auditor}_{i,t} + \alpha_9 \text{ROA}_{i,t} + \alpha_{10} \text{Loss}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

در مدل (۱)، متغیر وابسته شکست شرکتی (COFA)، متغیرهای مستقل به ترتیب فرضیه‌ها مدیریت اقلام تعهدی (AEM)، مدیریت سود واقعی (REM)، هموارسازی سود (ESmooth)، و اجتناب مالیاتی (TaxAvo) و سایر متغیرها نقش کنترلی دارند. ضرایب رگرسیونی مورد نظر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به ترتیب α_1 تا α_4 هستند که بایستی از نظر آماری معنادار باشند.

متغیر مستقل: مدیریت سود تعهدی

برای اندازه‌گیری مدیریت سود تعهدی به پیروی از پژوهش‌های پیشین مانند اسین و فابیانا (۲۰۲۱)، ویلسون – اوشیلیم و همکاران (۲۰۲۴) و اثنی‌عشری و همکاران (۱۳۹۹) از مدل جونز تعدیل شده که توسط دی‌جو^۱ و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده است استفاده شده است.

¹ Dechow

$$\frac{TACC_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta AR_{i,t})}{A_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

که در آن TACC کل اقلام تعهدی محاسبه شده به عنوان تفاوت بین سود عملیاتی قبل از اقلام غیرعادی و جریان‌های نقدی عملیاتی است. A جمع کل دارایی ابتدای دوره است. ΔREV تغییر در درآمد فروش است. ΔAR تغییر در حساب‌های دریافتی است و PPE ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات است. مدل (۲) در سطح سال - صنعت برازش شده و باقیمانده‌ها که همان اقلام تعهدی اختیاری هستند، استخراج می‌شوند.

متغیر مستقل: مدیریت سود واقعی

برای سنجش مدیریت سود واقعی در این پژوهش به پیروی از رویچادری^۱ (۲۰۰۶)، ویلسون - اوشلیم و همکاران (۲۰۲۴) و اثنی‌عشری و همکاران (۱۳۹۹) از مخارج اختیاری غیرعادی طبق مدل (۳) استفاده شده است:

$$\frac{DISEXP_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{REV_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن DISEXP مخارج اختیاری است که به عنوان هزینه‌های عمومی و اداری تعریف می‌شود. مدل (۳) نیز بر مبنای الگوی سال - صنعت برازش خواهد شد و سپس باقیمانده‌های برازش مدل تحت عنوان مخارج اختیاری غیرعادی استخراج خواهند شد.

متغیر مستقل: هموارسازی سود

برای اندازه‌گیری هموارسازی سود به پیروی از دموری و همکاران (۱۳۹۰) از شاخص ایکل^۲ (۱۹۸۱) استفاده شده است. به این ترتیب که:

$$Df = CV \Delta li / CV \Delta si \quad \text{رابطه (۱)}$$

در رابطه (۱)، Df: شاخص هموارسازی سود، $CV \Delta li$ بیانگر ضریب تغییرات نوسان در سری زمانی (پنج ساله) سود و $CV \Delta si$ رابطه نیز بیانگر ضریب تغییرات نوسان در سری زمانی (پنج ساله) فروش است و

^۱ Roychowdhury

^۲ Eckel

ضریب تغییرات از تقسیم واریانس بر میانگین بدست می آید. اگر $Df < 1$ باشد، شرکت هموار کننده مصنوعی سود خواهد بود و در غیر این صورت هموارسازی سود صورت نگرفته است. بنابراین این متغیر بصورت مجازی تعریف می شود به طوری که اگر شرکت هموارسازی مصنوعی سود انجام داده باشد این متغیر مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می گیرد.

متغیر مستقل: اجتناب مالیاتی

برای سنجش اجتناب مالیاتی در این پژوهش به پیروی از ادبیات پیشین مانند هانلون و هیتزمن^۱ (۲۰۱۰) از نرخ موثر مالیات نقدی استفاده خواهیم کرد. این نرخ از طریق تقسیم مالیات نقدی پرداختی (در صورت گردش جریان های نقد) بر سود قبل از مالیات (در صورت سود و زیان) به دست می آید.

متغیر وابسته: شکست شرکتی

برای سنجش شکست شرکتی به پیروی از مطالعات قبلی از جمله ویلسون – اوشیلیم و همکاران (۲۰۲۴) از شاخص Z آلتمن تعدیل شده استفاده شده است. کردستانی و همکاران (۱۳۹۳) شاخص تعدیل شده Z آلتمن (۲۰۰۶) را متناسب با مختصات بومی بازار سرمایه ایران به صورت رابطه ۲ ارائه داده اند:

$$Z_{A_{i,t}} = 0.291 \left(\frac{WC_{i,t}}{TA_{i,t}} \right) + 2.458 \left(\frac{RE_{i,t}}{TA_{i,t}} \right) - 0.301 \left(\frac{EBIT_{i,t}}{TA_{i,t}} \right) - 0.079 \left(\frac{BV_{i,t}}{TL_{i,t}} \right) - 0.05 \left(\frac{S_{i,t}}{TA_{i,t}} \right) \quad (۲)$$

پس از محاسبه شاخص تعدیل شده Z آلتمن طبق رابطه (۲)، نحوه قضاوت بدین صورت است که اگر مقدار شاخص کمتر از ۰/۱۴- باشد احتمال شکست شرکتی خیلی بالا است (۹۵٪)، در صورتی که شاخص بین ۰/۱۴- و ۰/۰۲ باشد شرکت در مرحله درماندگی کامل قرار دارد، اگر مقدار شاخص بین ۰/۰۲ و ۰/۳۶ باشد آن گاه شرکت در مرحله کسری وجه نقد و عدم توان پرداخت بدهی قرار دارد و در صورتی که شاخص بزرگتر از ۰/۳۶ باشد شرکت دارای سلامت مالی است. متغیر شکست شرکتی به صورت مجازی تعریف می شود بدین صورت که اگر مقدار شاخص Z تعدیل شده آلتمن کمتر از ۰/۰۲ باشد این متغیر مقدار یک را می گیرد و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۳).

متغیرهای کنترلی

¹ Hanlon & Heitzman

به پیروی از ویلسون - اوشیلیم و همکاران (۲۰۲۴) متغیرهای کنترلی به مدل‌ها افزوده شده‌اند. اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی جمع داراییها. اهرم مالی (Lev): برابر با جمع بدهی‌های بهره‌دار (جمع بدهی بلندمدت به اضافه حصة جاری بدهی‌های بلندمدت) تقسیم بر جمع کل دارایی. نسبت جریان نقد عملیاتی (CFO): خالص جریان نقد عملیاتی تقسیم بر جمع داراییها. نوع حسابرس (Auditor): متغیری مجازی است به طوری که اگر حسابرس شرکتی سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبر باشد این متغیر مقدار یک را می‌گیرد و در غیر این صورت مقدار صفر. بازده دارایی‌ها (ROA): متغیر سودآوری است و برابر با سود خالص تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها است. زیان‌دهی (Loss): متغیری مجازی است به طوری که اگر شرکتی در سال مالی زیان گزارش نموده باشد این متغیر مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را خواهد گرفت.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره (۳). آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

Table 3. Research Variables Table

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
مدیریت سود تعهدی	AEM	۰/۱۰۹	۰/۰۸۲	۰/۵۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۹۸
مدیریت سود واقعی	REM	۰/۰۳۵	۰/۰۲۲	۰/۵۳۴	۰/۰۰۰	۰/۰۴۶
جریان نقدی	CFO	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۸۳	-۰/۳۸	۰/۱۴
اهرم مالی	Lev	۰/۵۰	۰/۵۰	۱/۸۰	۰/۰۲	۰/۴۵
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۷۶	-۰/۴۰	۰/۱۶
متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	فراوانی ۱	فراوانی صفر		
نوع حسابرس	Auditor	۲۲۳۶	۴۴۸	۱۷۸۸		

۱۷۵۳	۴۸۳	۲۲۳۶	CoFa	شکست شرکتی
۱۷۸۶	۴۵۰	۲۲۳۶	ESmooth	هموارسازی سود
۲۰۷۹	۱۵۷	۲۲۳۶	Loss	زیان‌دهی

متوسط (قدرمطلق) اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود تعهدی ۰/۱۰۹ و (قدر مطلق) مدیریت سود واقعی ۰/۰۳۵ بوده است که نشان می‌دهد بطور میانگین مدیریت سود تعهدی بیشتر از مدیریت واقعی توسط شرکت‌ها اعمال می‌شود. هموارسازی سود نیز به طور متوسط توسط ۲۰٪ شرکت‌ها انجام شده است. اهرم مالی در شرکت‌های مورد بررسی نیز متوسط ۰/۵۰ بوده است یعنی نیمی از دارایی‌ها در شرکت‌های مورد بررسی از طریق بدهی تامین مالی شده است. ۰/۰۷ مشاهدات (۹۶ سال - شرکت) زیان‌ده بوده‌اند یعنی در آن سال‌ها زیان مالی گزارش نموده‌اند؛ در حالی که بازده دارایی‌ها به عنوان متغیر سودآوری بیانگر متوسط ۰/۱۸ است. متوسط مقدار ۰/۲۰ برای نوع حسابرس بیانگر این است که از بین هر پنج مشاهده یک صاحبکار توسط سازمان حسابرسی یا موسسه مفید راهبر به عنوان موسسات حسابرسی دولتی حسابرسی شده‌اند. معنای دیگر این آماره سهم ۸۰ درصدی موسسات حسابرسی خصوصی از شرکت‌های مورد بررسی است که میزان نسبتاً بالایی تلقی می‌شود. احتمال شکست شرکتی ۰/۲۱۶ بوده است بدین معنا که در شرکت‌های جامعه آماری هدف احتمال شکست شرکتی حدود ۲۱٪ است که میزان بالایی برای شرکت‌های بورس اوراق بهادار تلقی می‌شود. پس از ارائه آمار توصیفی و انجام تحلیل‌های توصیفی، در ادامه تحلیل استنباطی و آزمون‌های مربوط به مدل‌های رگرسیونی انجام و نتایج آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

آزمون‌های نقض فرض کلاسیک

به منظور آزمون فرض کلاسیک، آزمون براش - گادفری (جهت بررسی عدم خودهمبستگی سریالی) طبق نگاره (۴) استفاده شد و برای بررسی ناهمسانی واریانس آزمونی انجام نشد اما لازم به ذکر است که هنگام برازش مدل، از تنظیمات نرم‌افزار ایویوز اقدام به انتخاب گزینه هابر - وایت گردید تا اثر احتمالی ناهمسانی واریانس لحاظ شود. همچنین برای بررسی عدم همخطی بین متغیرهای توضیحی عامل تورم واریانس محاسبه و مقادیر آن در نگاره ۵ ارائه شده است. در ادامه نتایج آزمون عدم خودهمبستگی سریالی براش - گادفری در نگاره ۴ ارائه شده است:

نگاره (۴). نتایج آزمون عدم خودهمبستگی سریالی

Table 4. Autocorrelation Test Results

مدل	سطح معناداری آزمون	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۰/۱۴۱۱	عدم وجود خودهمبستگی سریالی

طبق نتایج آزمون عدم خودهمبستگی در نگاره ۴، مدل (۱) فاقد خودهمبستگی سریالی است و فرض عدم خودهمبستگی سریالی بین اجزاء اخلاص پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون عدم هم‌خطی نیز در نگاره نتایج نهایی برازش مدل (۱) ارائه شده است. قبل از اقدام به برازش مدل (۱) و انجام آزمون‌های آماری، ابتدا مدل‌های مدیریت سود تعهدی و واقعی بر مبنای سال - صنعت برازش شدند؛ یعنی هر یک از مدل‌ها به تعداد حاصل ضرب سال (۸ سال) ضربدر صنعت (۱۰) برازش شدند که ۸۰ برازش برای هر مدل بوده است و این کار با برنامه‌نویسی در محیط نرم-افزار ایویوز به پیروی از افلاطونی (۱۳۹۸) انجام شد. سپس باقیمانده‌های برازش مدل استخراج و به عنوان متغیرهای مستقل مدل (۱) استفاده گردید.

برازش مدل (۱)

به منظور قضاوت درباره فرضیه‌های پژوهش از نتایج برازش مدل (۱) استفاده شده است. لازم به ذکر است مدل (۱) با برآورد گر لاجیت برازش شده است. نتایج برازش مدل (۱) در نگاره (۵) ارائه شده است.

نگاره (۵). نتایج برآورد مدل (۱) - متغیر وابسته شکست شرکتی

Table 5. Model 1 Test Results: Dependent Var (CoFa)

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره Z	معناداری آماره Z	آماره VIF
AEM	۰/۸۴۶۱۲۸	۰/۱۹۹	۴/۲۴	۰/۰۰۰۰	۱/۱۵
REM	۳/۱۷۶۱۳۸	۱/۷۹۵	۱/۷۷	۰/۰۷۷۰	۱/۱۹
ESmooth	۱/۱۸۷۲۶۸	۰/۱۹۱	۶/۲۲	۰/۰۰۰۰	۱/۳۵
TaxAvo	۰/۰۹۱۶۹۹	۰/۰۳۶	۲/۵۱	۰/۰۱۲۲	۱/۰۵
Size	۰/۱۰۴۴۰۲	۰/۰۵۶	۱/۸۵	۰/۰۶۴۹	۱/۲۲
Lev	-۰/۹۹۴۳۴۸	۰/۴۵۹	-۲/۱۶	۰/۰۳۰۴	۲/۹۰

۱/۷۹	۰/۷۴۹۰	۰/۳۲	۱/۲۲۱	۰/۳۹۰۷۹۸	CFO
۱/۱۸	۰/۳۳۲۳	-۰/۹۷	۰/۲۱۵	-۰/۲۰۸۶۶۷	Auditor
۱/۲۱	۰/۰۰۰۰	-۷/۴۸	۲/۶۴۰	-۱۹/۷۶۲۵۷	ROA
۲/۱۳	۰/۴۳۲۵	۰/۷۸	۰/۴۱۴	۰/۳۲۵۱۷۱	Loss
-	۰/۴۳۲۳	-۰/۷۸	۰/۹۲۲	-۰/۷۲۴۳۵۵	عرض از مبدا
٪ ۹۵/۵۵		درصد صحت پیش‌بینی		۰/۴۴۱	ضریب تعیین مک‌فادن
۰/۰۰۰۰		معناداری آماره LR		۶۳۳/۵۹	آماره LR
۰/۷۵۱۰		معناداری آماره هاسمر - لمشو		۱۵/۶۳	آماره هاسمر - لمشو
۰/۶۱۴۲		معناداری آماره اندروز		۱۴/۱۷	آماره اندروز

قبل از اقدام به آزمون فرضیه، وضعیت کلی مدل بررسی و تحلیل شده است. با توجه به سطح معناداری آماره LR (۰/۰۰۰۰) می‌توان ادعا کرد که مدل رگرسیونی معنادار است. ضریب تعیین مک‌فادن ٪۴۴ است. درصد صحت پیش‌بینی ۹۵/۵۵٪ بوده است. سطح معناداری آماره‌های هاسمر - لمشو و اندروز به ترتیب ۰/۷۵۱۰ و ۰/۶۱۴۲ است که هر دو بیانگر مطلوب بودن برازش مدل هستند. مقادیر آماره عامل تورم واریانس نیز با توجه به اینکه همگی کمتر از عدد ۵ هستند، بیانگر عدم وجود همخطی شدید بین متغیرهای توضیحی بوده است. در ادامه آزمون فرضیه‌های پژوهش با توجه به ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل انجام شده است.

آزمون فرضیه اول

برای قضاوت درباره فرضیه‌ها از آزمون Z استفاده می‌شود. نحوه قضاوت بدین صورت است که در مورد هر فرضیه ابتدا بایستی متغیر مستقل مشخص شود، سپس سطح معناداری آماره Z متناسب با آن متغیر بررسی شود. در صورتی که سطح معناداری آماره Z کمتر از ۰/۰۵ باشد می‌توان بیان کرد فرض صفر آزمون مبنی بر عدم وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر در سطح معناداری ۹۵٪ رد می‌شود؛ در نتیجه ارتباط بین دو متغیر از نظر آماری معنادار است. برای توصیف جهت رابطه بین دو متغیر نیز از منفی یا مثبت بودن ضریب رگرسیونی متغیر مستقل استفاده می‌شود. در فرضیه اول متغیر مستقل مدیریت سود تعهدی است. سطح معناداری آماره Z متناسب با متغیر مذکور ۰/۰۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کمتر است. در نتیجه فرض صفر آزمون

T مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو متغیر (مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی) رد می شود که به معنای عدم رد فرضیه اول است. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیون متغیر مستقل، می توان ادعا نمود که بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی رابطه مستقیمی وجود دارد و با افزایش مدیریت سود تعهدی، شکست شرکتی نیز افزایش می یابد. لازم به ذکر است در بین متغیرهای کنترلی ارتباط بین اهرم مالی (منفی) و بازده دارایی ها (منفی) با شکست شرکتی معنادار گزارش شده است؛ در حالی که سایر متغیرهای کنترلی در سطح معناداری ۹۵٪ ارتباط معناداری با شکست شرکتی ندارند.

آزمون فرضیه دوم

در فرضیه دوم نیز متغیر مستقل مدیریت سود واقعی است. سطح معناداری آماره Z متناسب با متغیر مذکور ۰/۰۷۷۰ است که از ۰/۰۵ بزرگتر است. در نتیجه فرض صفر آزمون Z مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو متغیر (مدیریت سود واقعی و شکست شرکتی) پذیرفته می شود که به معنای رد فرضیه دوم است.

آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم متغیر مستقل هموارسازی سود است. سطح معناداری آماره Z متناسب با متغیر مذکور ۰/۰۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کمتر است. در نتیجه فرض صفر آزمون T مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو متغیر (هموارسازی سود و شکست شرکتی) رد می شود که به معنای عدم رد فرضیه اول است. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیون متغیر مستقل، می توان ادعا کرد که رابطه مستقیمی بین هموارسازی سود و شکست شرکتی وجود دارد و با افزایش هموارسازی سود، شکست شرکتی نیز افزایش می یابد.

آزمون فرضیه چهارم

در فرضیه چهارم متغیر مستقل اجتناب مالیاتی است. سطح معناداری آماره Z متناسب با متغیر مذکور ۰/۰۱۲۲ است که از ۰/۰۵ کمتر است. در نتیجه فرض صفر آزمون T مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو متغیر (اجتناب مالیاتی و شکست شرکتی) رد می شود که به معنای عدم رد فرضیه اول است. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیون متغیر مستقل، می توان ادعا نمود که رابطه بین اجتناب مالیاتی و شکست شرکتی مستقیم است و با افزایش اجتناب مالیاتی، شکست شرکتی نیز افزایش می یابد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش ارتباط بین فعالیت‌های حسابداری خلاقانه (شامل مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی) و شکست شرکتي در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش مشخص شد بین سه سنجه حسابداری خلاقانه (مدیریت سود تعهدی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی) با شکست شرکتي ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی استفاده از تکنیک‌های حسابداری خلاق در مجموع منجر به افزایش شکست شرکتي می‌شود. نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله توکونی و پائول (۲۰۲۳)، اُشودین و ایافخه (۲۰۲۲)، اسین و فایانا (۲۰۲۱)، آرنیس و همکاران (۲۰۱۹) است. در راستای تقویت استدلال‌ها برای نتایج پژوهش حاضر، نتایج ارائه شده توسط آپکانوکو و اومرون (۲۰۱۸) و بانکوله و همکاران (۲۰۱۸) نیز قابل استناد هستند. طبق نتایج آپکانوکو و اومرون (۲۰۱۸) فعالیت‌های حسابداری خلاقانه اعتبار گزارشگری مالی را تا میزان ۹۰٪ کاهش می‌دهد که این کاهش اعتبار گزارشگری مالی باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه افزایش هزینه تامین مالی شده و در بلندمدت می‌تواند شکست شرکتي را افزایش دهد. طبق نتایج بانکوله و همکاران (۲۰۱۸) نیز فعالیت‌های حسابداری خلاقانه منجر به کاهش ثروت سهامداران در بلندمدت می‌شود که با نتایج پژوهش حاضر سازگار است. فعالیت‌های حسابداری خلاقانه که در چارچوب نظریه نمایندگی و همچنین نظریه اخلاقی مطرح می‌شوند علیرغم این که غیرقانونی تلقی نمی‌شوند، اما باعث انتقال ثروت بین ذی‌نفعان شده و ثروت سهامداران را کاهش می‌دهند و فعالیت‌های مدیریت سود نیز باعث افزایش مطلوبیت مدیران به هزینه سهامداران می‌شود و از طرف دیگر باعث افزایش هزینه‌های نمایندگی مانند هزینه حسابرسی و هزینه استقرار سازوکارهای راهبري شرکتي می‌شود که همه این عواقب در کنار هم موجب افزایش احتمال ورشکستگی مالی شرکت می‌شوند.

در خصوص فرضیه دوم، اگرچه ضریب مدیریت سود واقعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست، اما این عدم معناداری به خودی خود یافته‌ای ارزشمند و حاوی نکات مهمی درباره محیط کسب و کار ایران است. این نتیجه نشان می‌دهد که برخلاف مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی (مانند کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه، فروش با تخفیف‌های بیش از حد یا تولید مازاد) ارتباط مستقیم و معناداری با شکست شرکتي در ایران ندارد. از دلایل احتمالی این یافته می‌توان به این اشاره نمود که در محیط ایران، به دلیل ساختار مالکیت متمرکز و نظارت ضعیف حاکمیت شرکتي، مدیران می‌توانند مدیریت سود واقعی را به گونه‌ای انجام دهند که اثرات زیانبار آن در کوتاه‌مدت در عملکرد شرکت منعکس نشود؛ همچنین در اقتصادهایی با سطح پایین کارایی بازار و اطلاعات نامتقارن بالا، مدیریت سود واقعی ممکن است اثری فوری بر احتمال شکست نداشته باشد و یا از کانال‌های دیگری مانند افزایش

ریسک عملیاتی غیر محسوس عمل کند. بنابراین، عدم معناداری این متغیر نه تنها ضعف مدل نیست، بلکه بیانگر متفاوت بودن سازوکار تأثیر انواع مدیریت سود بر شکست شرکتی در بافت نهادی ایران است و می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی در زمینه بومی‌سازی مدل‌های اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی باشد.

معنادار بودن تنها دو متغیر کنترلی (اهرم مالی و بازده دارایی‌ها) در این پژوهش، در حالی که برخی متغیرهای دیگر مانند نوع حسابرس در مطالعاتی مانند ویلسون و همکاران (۲۰۲۴) معنادار گزارش شده‌اند، می‌تواند ناشی از تفاوت‌های نهادی، محیطی و روش‌شناختی باشد. نخست، ویژگی‌های خاص محیط گزارشگری مالی و نظارتی (از جمله سطح تمرکز بازار حسابرسی، میزان رقابت بین مؤسسات حسابرسی و چارچوب‌های نظارتی) ممکن است موجب کاهش تمایز معنادار بین انواع حساب‌رسان در نمونه مورد بررسی شده باشد. دوم، تفاوت در نحوه اندازه‌گیری متغیرها و تعریف عملیاتی آن‌ها (برای مثال، نحوه طبقه‌بندی نوع حسابرس یا استفاده از شاخص‌های جایگزین) می‌تواند بر معناداری آماری نتایج اثرگذار باشد. سوم، ویژگی‌های نمونه و دوره زمانی پژوهش، از جمله شرایط اقتصادی، سطح بلوغ بازار سرمایه و تغییرات مقرراتی، ممکن است نقش برخی متغیرهای کنترلی را تضعیف یا تقویت کند. چهارم، وجود هم‌خطی بالقوه میان متغیرهای کنترلی یا همپوشانی مفهومی آن‌ها با متغیرهای اصلی مدل می‌تواند منجر به کاهش قدرت تبیینی مستقل برخی متغیرها شود. در نهایت، این یافته‌ها نشان می‌دهد که اثرگذاری متغیرهای کنترلی وابسته به بستر پژوهش است و تعمیم نتایج مطالعات پیشین بدون توجه به شرایط نهادی و ویژگی‌های داده‌ها ممکن است با محدودیت مواجه باشد.

طبق نتایج بدست آمده از فرضیه‌ها، به سرمایه‌گذاران فعال در بورس اوراق بهادار تهران توصیه می‌شود نسبت به فعالیت‌های حسابداری خلاقانه (از جمله انواع مدیریت سود، اجتناب مالیاتی، عدم افشا اطلاعات مهم، تغییرات بدون منطق در سیاست‌های حسابداری، معاملات ساختگی و غیره) هوشیار باشند و با دقت اثر این تکنیک‌ها بر گزارشگری مالی و سیاست‌های مالی را بررسی نمایند و پس از حصول اطمینان از کیفیت گزارش‌های مالی اقدام به خرید و فروش سهام شرکت‌ها نمایند. سازمان‌ها و نهادهای قانون‌گذار و استانداردگذاری نیز می‌توانند با آگاهی از نتایج پژوهش حاضر تصمیماتی در راستای کاهش اختیارات مدیران شرکت‌ها و محدود کردن تکنیک‌های حسابداری خلاقانه اخذ نمایند تا بدین وسیله حقوق سهامداران به ویژه سهامداران خرد فعال در بورس اوراق بهادار تهران صیانت شود. پژوهشگران آتی می‌توانند تأثیر تکنیک‌های حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی را با افزودن متغیرهای تعدیل‌گر مانند متغیرهای حاکمیت شرکتی بررسی نمایند تا اثربخشی ساز و کارهای راهبری شرکتی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین پیشنهاد می شود میزان استفاده شرکت ها از تکنیکهای حسابداری خلاقانه طی مراحل چرخه عمر نیز مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین می توان اثر فعالیت های حسابداری خلاقانه را بر سیاست های تامین مالی و سرمایه گذاری بررسی نمود. شایات ذکر است داده های مورد استفاده در این پژوهش که مستخرج از صورت های مالی شرکت ها هستند، از بابت تورم تعدیل نشده اند؛ در حالی که میزان تورم در ایران دچار نوسانات بااهمیتی است و ممکن است بر سیاست های مالی و گزارشگری مالی نیز اثر داشته باشد.

منابع

- اثنی عسری، حمیده، اسدی، غلامحسین و قهرائی، احسان (۱۳۹۹). رابطه الگوهای مدیریت سود با ادراک سرمایه گذاران. *پژوهش های حسابداری مالی*، ۱۲ (۳)، ۴۵-۶۲.
- اسدی، امیرحسین، بدیعی، حسین، دارابی، رویا و نوراله زاده، نوروز (۱۴۰۳). ارزیابی پیشران های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده مشروعت گزارشگری مالی شرکت ها. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۱۴ (۳)، ۲۷۳-۳۱۲.
- افلاطونی، عباس (۱۳۹۸). *اقتصادسنجی در پژوهش های مالی و حسابداری*. انتشارات ترمه، چاپ اول، تهران.
- دموری، داریوش، عارف منش، زهره و عباس موصول، خلیل (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش های حسابداری مالی*، ۳ (۱)، ۵۴-۳۹.
- چهارده چریکی، معصومه، بولو، قاسم، رئیسی و انانی، ایمان، باباجانی، جعفر و تقوی فرد، محمدتقی (۱۴۰۱). شناسایی و رتبه بندی شاخص های حسابداری خلاقانه با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل شبکه ای. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۲ (۱)، ۲۱-۴۰.
- کردستانی، غلامرضا، تاتلی، رشید و کوثری فر، حمید (۱۳۹۳). ارزیابی توان پیش بینی مدل تعدیل شده التمن از مراحل در ماندگی مالی نیوتن و ورشکستگی شرکت ها. *دانش سرمایه گذاری*، ۳ (۱)، ۸۳-۹۹.
- محمدی، فرزانه، صفری گرایلی، مهدی، عرب زاده، میثم و فرزین فر، علی کبر (۱۴۰۲). طراحی مدل علل زمینه ای ایجاد کننده حسابداری خلاقانه. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۳۰ (۳)، ۵۳۲-۵۶۱.
- محمدی، فرزانه، صفری گرایلی، مهدی، عرب زاده، میثم و فرزین فر، علی اکبر (۱۴۰۲). بررسی تأثیر حسابداری خلاقانه بر ادراک ناهمگون سرمایه گذاران. *پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۱۲ (۲)، ۱۴۳-۱۰۳.

References

- Abata, M. A., & Migiro, S. O. (2016). Corporate governance and management of earnings: Empirical evidence from selected Nigerian-listed companies. *Investment Management and Financial Innovations*, 13(2), 189-205.
- Aflatooni, Abbas (2019). *Econometrics in Financial and Accounting Research*. Termeh Publications, First Edition, Tehran. [in Persian]
- Ahmed, S. (2013). Measuring quality of reported earnings' response to corporate governance reforms in Russia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 3(1), 21-46.

- Akpanuko, I., Emenyonu, C., & Nwakoby, I. (2018). Unfair reporting and corporate failures: The role of creative accounting in Nigeria. *Journal of Financial Integrity*, 20(3), 90-105.
- Alam, N., Ramachandran, J., & Nahomy, A. H. (2020). The impact of corporate governance and agency effect on earnings management A test of the dual banking system. *Research in International Business and Finance*, 54, 101-142.
- Altman, E. (2020). *Corporate failure and bankruptcy prediction*. New York: Wiley.
- Anyadiegwu, A. (2019). Tax avoidance and financial performance: A case study of Nigerian companies. *Journal of Corporate Taxation*, 32(3), 150-165.
- Arnis, N., Karamanis, K., & Kolias, G. (2019). Detecting Creative Accounting in Businesses in Financial Distress. *Accounting and Finance Research*, 8(2), 232-244.
- Asnaashari, H., Asadi, G. and Ghahraie, E. (2020). The Relationship between Earnings Management Patterns with Investors' Sentiment. *Financial Accounting Research*, 12(3), 45-62. doi: 10.22108/far.2020.120491.1567 [in Persian]
- Asadi, A., Badiei, H., Darabi, R. and Noorolahzade, N. (2024). Evaluation of the Emergence Key Drivers of Creative Accounting in the Future of Financial Reporting Legitimacy. *Empirical Research in Accounting*, 14(2), 273-312. doi: 10.22051/jera.2024.45015.3168[in Persian]
- Bankole, F., Abimbola, A., Johnson, C., & Williams, D. (2018). Creative accounting practices in the corporate world. *Journal of Accounting Ethics*, 10(3), 112-128.
- Barth, M. E., Landsman, W. R., & Lang, M. H. (2008). International accounting standards and accounting quality. *Journal of Accounting Research*, 46(3), 467-498.
- Bello, A. (2011). *Corporate governance and accounting ethics in Nigeria*. In International Conference on Management Proceeding, 2011, 1-17.
- Blue, G., Chahrdahcheriki, M., Rezaee, Z., & Khotanlou, M. (2024). A model for predicting creative accounting in emerging economies. *International Journal of Accounting & Information Management*, ahead-of-print.
- Brown, R., & Garcia, M. (2022). The role of financial statements in decision-making. *Financial Reporting Review*, 25(1), 45-58.
- Chahrdahcheriki, M., Blue, G., raeisi vanani, I. , Babajani, J. and Taghavifard, M. T. (2022). Identifying and Ranking creative accounting Indicators Using Analytic Network Process. *Journal of Accounting and Social Interests*, 12(1), 21-40. doi: 10.22051/jaasci.2022.39571.1677[in Persian]
- Damoori, D., Arefmanesh, Z. and Abasi Muselo, K. (2011). Investigating the relation between income smoothing, earnings quality and firm value. *Financial Accounting Research*, 3(1), 39-54. [in Persian]
- Debbarma, J., & Roy, C. (2023). Effects of Corporate Governance on Creative Accounting Practices: Evidence from NSE-listed Companies in India. *Indian Journal of Corporate Governance*, 16(1), 52-78.
- Dechow, P. M., Sloan, R., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70(2), 193-225.
- Diana, E. B., Bogdana, B. V., Liliana & Popa, L. (2014). "Colorful" approach regarding creative accounting: an introspective study based on the association technique. *Accounting and Management Information Systems*, 13(4), 643-664.

- Doan, H., Tran, P., & Nguyen, T. (2020). Advantages of income smoothing: A comparative analysis. *Journal of Financial Strategies*, 30(2), 90-105.
- Dumitrescu, A. S. (2014). Creative accounting. Economic Publishing House.
- Eckel, N. (1981). The income smoothing Hypothesis revisited. *Abacus*, 17(1), 28-40.
- Essien, E. N., Fabian, A. O. (2021). Impact of Creative Accounting Practices on Business Failure in the Nigerian Aviation Industry. *IOSR Journal of Economics and Finance*, 12(4), 46-51.
- Ghazali, A. W., Shafie, N. A., & Sanusi, Z. M. (2015). Earnings management: An analysis of opportunistic behaviour, Monitoring mechanism and financial distress. *Procedia Economics and Finance*, 28, 190-201.
- González, M., Rodríguez, P., García, L., & Martínez, S. (2022). Long-term returns and corporate failure: An empirical investigation. *Journal of Financial Analysis*, 42(4), 150-165.
- Hamna, R., & Emmanuel, A. (2017). Creative accounting practices: A review of literature. *Journal of Accounting Research*, 20(3), 110-125.
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3), 127-178.
- Hasan, S., Kassim, A. A. M., & Hamid, M. A. A. (2020). The impact of audit quality, audit committee and financial reporting quality: Evidence from Malaysia. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 10(5), 272-281.
- Ibanichuka, E. A. L., & Ihendinihu, J. U. (2012). Creative accounting and implication for dividend financial sub-sector of Nigerian payout of companies in the economy: *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 3(15), 125.
- Ijeoma, C., & Aronu, C. (2019). The impact of accounting fraud on corporate failure: Evidence from Nigeria. *Journal of Financial Integrity*, 14(2), 75-88.
- Izedonmi, F., & Olayemi, A. (2018). Regulatory framework and enforcement mechanisms: Impact on discretionary accrual management in Nigeria. *Journal of Financial Regulation*, 21(2), 45-60.
- Jones, M. (2011). Creative accounting, fraud and international accounting scandals. John Willy and Sons Ltd.
- Kordestani, Gh, Tutli, R & Kowsarifar, H (2014). Evaluating the predictive power of the modified Altman model of Newton's stages of financial distress and corporate bankruptcy. *Knowledge Invesement*, (1) 3, 83-99. [in Persian]
- Lin, Z. J., & Liu, M. (2010). The determinants of auditor switching from the perspective of corporate governance in China. *Advances in Accounting*, 26(1), 117-127.
- Merchant, K. A. and Rockness, J. (1994). The ethics of managing earnings: an empirical investigation. *Journal of Accounting and Public Policy*, 13, 79-94.
- Mohammadi, F., Safari Gerayli, M., Arabzadeh, M. and Farzinfar, A. A. (2023). Designing a Domain-specific Causal Model for Creative Accounting. *Accounting and Auditing Review*, 30(3), 532-559. doi: 10.22059/acctgrev.2023.351110.1008751 [in Persian]
- Mohammadi, F., Safari Gerayli, M. , Arabzadeh, M. and Farzinfar, A. A. (2023). Investigating the impact of creative accounting on investors' heterogeneous perceptions. *Applied Research in Financial Reporting*, 12(2), 103-143. [in Persian]

- Norri, M. (2013). The challenge of accounts controller for creative accounting techniques. *The Journal of Administration and Economics*, 96, 189–202.
- Odia, J. O., & Ogiedu, K. O. (2013). Corporate governance, regulatory agency and creative accounting practices in Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 4(3), 55–66.
- Okoye, I. E., & Alao, B. (2008). The ethics of creative accounting in financial reporting: The challenges of regulatory agencies in Nigeria. *The Certified National Accountant*, 16, 45–55.
- Olayinka, A., & Adekola, O. (2021). Corporate failure in Nigeria: A resultant effect of creative accounting. *Journal of Corporate Governance*, 28(4), 150-165.
- Olojede, P., Iyoha, F., Egbide, B. C., & Erin, O. (2020). Regulatory agencies and creative accounting practices in Nigeria. *Problems and Perspectives in Management*, 18(3), 465–478.
- Oshodin, E., & Iyafekhe, C. (2022). Does Opportunistic Creative Accounting or Informative Creative Accounting Lead to Corporate Failure? *International Journal of Accounting, Economics & Finance Perspectives*, 2(1), 98-117.
- Paul, O., Francis, I., & Ben-Caleb, E. (2020). Corporate governance and creative accounting practices in the listed companies in Nigeria. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 24(4), 1–20.
- Rachdi, H., Boukthir, A., Hammami, S., & Ben Said, H. (2021). Financial reasons for corporate failure: A case study approach. *International Journal of Business Studies*, 7(4), 75-88.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335–370.
- Sani, A. B., & Owoade, R. O. (2021). Impact of corporate governance mechanism in mitigating creative accounting practice of listed conglomerate companies in Nigeria. *Asian Journal of Economics, Business and Accounting*, 21(6), 39–50.
- Schipper, K. (1989). Commentary on creative accounting. *Accounting Horizons*, 3, 91-102.
- Smith, J., & Jones, A. (2021). Influence of creative accounting on share prices: Evidence from equity issues. *Journal of Financial Management*, 28(2), 45-62.
- Soyemi, K., Afolabi, O. V., & Obigbemi, I. F. (2021). External audit quality and clients' corporate governance mechanisms in Nigeria: Any nexus? *Journal of Research in Emerging Markets*, 3(2), 44–59.
- Stolowy, H. (2004). Accounts manipulation: A literature review and proposed conceptual framework. *Review of Accounting and Finance*, 3(1), 5–92.
- Tassadaq, F., & Malik, Q. A. (2015). Creative accounting and financial reporting: Model development and empirical testing. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 5(2), 544–551.
- Taylor, M., Brown, E., Wilson, J., & Anderson, K. (2023). Mechanisms to curb corporate reporting malpractices in Nigeria. *Journal of Corporate Governance*, 12(1), 32–48.
- Tokoni, M. A. & Paul, O. A. (2023). Creative Accounting and Corporate Failure in Nigeria: Managers Perception in Listed Manufacturing Companies. *Scholarly Journal of Management Sciences Research*, 2(11), 36-49.
- Ubesie, O., Ibegbulem, A., & Nwude, I. (2022). Ethical considerations in creative accounting practices. *Journal of Business Ethics*, 40(4), 180-195.

- Vladu, A. B., & Matis, D. (2010). Corporate governance and creative accounting: Two concepts strongly connected? Some interesting insights highlighted by constructing the internal history of a literature. *Annales Universitatis Apulensis-Series Oeconomica*, 12(1), 332–346.
- Warfield, T. D., Wild, J. J., & Wild, K. L. (1995). Managerial ownership, accounting choices, and informativeness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 20(1), 61–91.
- Watts, R., & Zimmermann, J. (1986). Positive accounting theory. Prentice-Hall.
- White, D., & Lee, S. (2020). The impact of flexibility in accounting guidelines on creative accounting practices. *Journal of Financial Management*, 18(3), 150-165.
- Wilson-Oshilim, U. D., Odubuasi, A. C., & Omoye, A. S. (2024). Creative Accounting and Corporate Failures on Nigeria Listed Firms. *European Journal of Accounting, Auditing and Finance Research*, 12(8), 1-18.
- Yazar Soyadı, E. (2020). The effect of firm characteristics and good corporate governance characteristics to earning management behaviors. *Journal of Accounting Finance and Auditing Studies (JAFAS)*, 6(2), 31–49.
- Zaidi, U. K., Akhter, J., & Akhtar, A. (2018). Window dressing of financial statements in the era of digital finance: A study of small cap Indian companies. *Metamorphosis: A Journal of Management Research*, 17(2), 67–75.